

۳
افقشیوه جدید
برنامه جدید ایران با آژانس۴
کافهناقد روشنفکران شفاهی
به یاد شاپور جوهرکش۶
توسعهدارایی‌های به گل نشسته
تاثیر ناترازی آب و برق بر صنایع۷
حادثهفاجعه آیدر
جان باختن سه فعال محیط زیست

طرح نپخته

پیروز حناچی در گفت‌وگو با سازندگی
ممنوعیت ورود به تهران که ایده رئیس‌جمهور است
را بررسی می‌کند

۷
کوچه

سرمقاله

اعتماد به اصحاب رسانه

نقد مشفقانه در رد لایحه
مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع



محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع به لحاظ ماهیتی با طرح صیانت همسو است اما با ادبیاتی متفاوت و در بخش مجازات‌ها بسی پرغلاظ و شداد.

مردم را نباید به چشم متهم نگریست. لایحه ارائه شده در واقع گرتبرداری شده همان طرح صیانت پیشین است با کمی پیرایش که اگر به تصویب برسد، روان جامعه مخاطب را آسیب می‌زند و بالکال انسجام ملی آسیب می‌بیند. نگاه امنیتی به مردم، سم مهلک امر حکمرانی است و اصل در نگاه به آحاد ملت باید بر اصل برانت استوار باشد نه بر اتهام.

به وقت حادثه یا بروز بحران که فضای سیاسی و اجتماعی کشور تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و معادلات پایدار پیشین به‌هم می‌خورد، هرگونه اقدام شتاب‌زده برای خروج از بحران، یا تعجیل در امر سیاست‌گذاری برای برون‌رفت، می‌تواند منجر به حساسیت منفی و ایجاد فضای شکننده در جامعه شود.

بعد از نبرد ۱۲ روزه، ذهنیت عمومی شهروندان به سمت تأکید بر ضرورت و یادآوری و احیاناً تذکر به حاکمیت به منظور توجه به تکالیف بر جا مانده و غفلت شده گذشته معطوف شد. برای دوام و بقای این دستاورد ارزشمند / انسجام ملی / حاکمیت باید تصمیماتی اتخاذ کند که این همبستگی ماندگار و به‌شکل ساختاری و بلندمدت تثبیت شود.

اقداماتی از جنس این لایحه که متأسفانه از سوی دولت و با تأیید حوزه معاونت حقوقی، ارائه شده علاوه بر بروز حساسیت، احساس واگرایی بین جامعه مدنی و دولت را در جامعه تشدید می‌کند. این سم مهلک برای حکمرانی دولت است. برخلاف تصور رایج که در گذشته طرح‌های مساله‌دار از سوی مجلس ارائه می‌شد، این بار با لایحه‌ای مواجه هستیم که به‌نظر می‌رسد، مقدمات آن در نهادهای دیگری (نهاد قضایی) غیر از حوزه تخصصی فرهنگی دولت پاییزی شده است. متأسفانه این لایحه، تلقی منفی‌ای در جامعه فرهنگی مخاطب و نزد اصحاب ادب و فضیلت ایجاد کرده و نگرانی از این بابت که ممکن است با تصویب آن، جامعه با سیاست‌های انقباضی تند و شدید روبه‌رو شود کاملاً جدی است. به همین دلیل حداقل باید عناوین جزایی لایحه، محل تردید و بازبینی قرار گیرد و بازداشت و زندان از متن کيفر برداشته شود. مگر در موارد بسیار اندک و غیرقابل گذشت به‌گونه‌ای که در عرف عقلا ناپسند جلوه نکند.

در این شرایط توصیه می‌کنم، دولت لایحه را پس بگیرد و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد و حوزه معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و با مشارکت صاحب‌نظران حوزه رسانه، چه مکتوب و چه فضای مجازی، لایحه را بازنویسی کند. عنوان لایحه را نیز تغییر دهد و به مجلس بازگرداند. این منطقی‌ترین پیشنهاد پیش روی جناب آقای پزشک‌پژشکیان است. چنانچه لایحه پس گرفته نشود لااقل مجلس در فرآیند بررسی، کمیسیون‌های مربوطه را موظف نماید از صاحب‌نظران حوزه رسانه برای بررسی لایحه دعوت کنند تا از تبعات منفی آن در جامعه به قدر معقول کاسته شود.

لازم به ذکر است، تدوین و تصویب قانون در حوزه رسانه، آن‌هم با قید دو فوریت، هیچ‌گاه و از جمله در این موقعیت ناپایدار، به هیچ‌وجه موجه نیست.

| ادامه در صفحه ۲

شهرامت استرداد

فرصت پس گرفتن لایحه «مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع» که ضد آزادی بیان تفسیر و تعبیر می‌شود، اندک است. آیا مسعود پزشکیان که یک سال پیش گردنش را مقابل وعده‌هایش گرو گذاشته بود، حاضر است این لایحه را پس بگیرد؟



هدا احمدی

گروه سیاسی

وقتی مسعود پزشکیان در جریان مناظره‌های انتخاباتی از اینترنت آزاد و برداشتن فیلترینگ به عنوان راهی برای نجات اقتصاد دیجیتال سخن می‌گفت، بسیاری او را نقطه مقابل دولت سیزدهم در مواجهه با فضای مجازی تصور می‌کردند. اما یک سال پس از آغاز به کار دولتش، تصویب لایحه‌ای دوفوریتی در مجلس که به زعم بسیاری نسخه جدیدی از «طرح صیانت» است، فضای سیاسی، رسانه‌ای و نخبگانی کشور را در بهت و حیرت فرو برده است. این چرخش سریع و غافلگیرکننده، نه تنها پرسش‌های زیادی را برانگیخته بلکه شکاف میان دولت و جامعه مدنی را عمیق‌تر کرده است. تنها راه رییس‌جمهور برای اینکه حداقل خلف وعده نکرده باشد، استرداد آن از مجلس دوازدهم است.

محسن برهانی، حقوق‌دان در این زمینه به روزنامه سازندگی می‌گوید که مسعود پزشکیان برای پس گرفتن این لایحه فرصت چندانی ندارد. بر اساس ماده ۱۳۷ آیین‌نامه داخلی مجلس رییس‌جمهور قبل از تصویب کلیات لایحه به صورت مطلق اختیار دارد

که لایحه را مسترد کند اما بعد از تصویب کلیات این اختیار محدود می‌شود و بعد از استدلال نماینده ایشان جهت برگرداندن لایحه مجلس است که رای به استرداد یا عدم استرداد آن می‌دهد بنابراین، این اختیار رییس‌جمهور، اختیار زمانی بسیار محدودی است که ان‌شالله هرچه سریع‌تر اعمال شود و این لایحه دوفوریتی ضد آزادی بیان از دستور کار مجلس خارج شود لذا تا قبل از تصویب کلیات، ابتکار عمل دست آقای پزشک‌پژشکیان است اما بعد از آن خواست رییس‌جمهور منوط به اراده اکثریت نمایندگان مجلس

خواهد بود و مانند یک تیری می‌ماند که از چله رها شده و دیگر او اختیاری ندارد.

به گفته این کارشناس، ما برای اینکه تبعات این لایحه را بررسی کنیم باید ببینیم که این لایحه به دنبال چیست. خواهشی که از رسانه‌ها دارم این است که حتماً مقدمه توجیهی این لایحه را دقت کنید. در مقدمه توجیهی، این لایحه تلاش می‌کند که دلیل نگارش لایحه را بیسان کند. در این مقدمه توجیهی می‌گوید که صریحاً آمده‌ام برای رفع نارسایی و خلأهای قانونی. با توجه به گسترش ابزارهای نوین و توسعه دامنه جریان تولید و انتشار اطلاعات و اخبار و محتوای خبری در فضای مجازی و با لحاظ تأثیرات قابل توجه آنها بر جامعه به دلیل سرعت و وسعت نشر و افزایش مشارکت شهروندان در تولید و انتشار آسان و ارزان محتوای خبری و با عنایت با تبعات ناشی از نشر و بازنشر محتوای خبری تحریف شده خلاف واقع که عموماً با اهدافی مانند ضربه زدن به حیثیت اشخاص، آسیب به امنیت روانی و عوام‌فریبی و بی‌اعتبارسازی نهادهای حاکمیتی و گزارشات رسمی و ایجاد ترس و وحشت عمومی و برهم زدن آرامش عمومی و اجتماعی و تضعیف انسجام ملی صورت می‌گیرد به منظور رفع نارسایی و خلأهای قانونی موجود و ...

| ادامه در صفحه ۲



ادامه سرمقاله

اعتماد به اصحاب رسانه

مگر اینکه در شرایط خاص و بنا به اضطرار برای برون‌رفت از بحرانی نابهنگام، فوریتی را لحاظ کنیم. در حالی که ملت اکنون با حادثه فوق‌العاده‌ای مواجه نیست که بخواهد به شرایط اضطرار تن دهد. اگر هم مشکلی هست، قوانین موجود کفایت می‌کند. نهاد قضایی با همین ظرفیت فعلی می‌تواند، ورود کند و مانع نشر اکاذیب شود.

کما اینکه سالیان متمادی است، دادگاه‌ها با گزاره مجرمانه نشر اکاذیب به سخت‌ترین وجه برخورد کرده و می‌کنند.

این سؤال دور از ذهن نیست که با گسترش فضای امنیتی و رواج اتهام‌هایی نظیر جاسوسی که پس از آتش‌بس بی‌درپی مطرح می‌شود، خودی و غیرخودی کردن و دو پاره‌سازی و گسست و انشقاق در جامعه اصحاب فرهنگ و رسانه بسیار پرعارضه خواهد بود. این لایحه خواهی نخواهی تأثیر نامناسبی بر فضای فرهنگ عمومی می‌گذارد. در جنگ اخیر و روایت‌های پسینی آن هم دیده شد که بیشترین فشار روی فضای خبری وارد آمد. جو امنیتی غالب شد و ذهنیت تدی در حق ارباب قلم و سخن شکل گرفت در حالی که ضعف امنیتی از جای دیگری نشأت می‌گرفت.

اینکه سایت‌ها، پلتفرم‌ها، نهادهای خبری و دست‌اندرکاران آنها را بی‌توجه و بی‌تعهد فرض کنیم، اشتباه محض است. خدا نکند در متن پیش‌نویس لایحه چنین تلقی‌هایی وجود داشته باشد که به چشم نامحرم و نامطمئن به این حوزه‌ها و متولیان‌شان نگاه شود. باید در حفظ منزلت و شأن و شخصیت چنین نهادهای واسطه که ابزار اعتمادآفرین میان اқشار مردم‌اند بسیار مراقب بود.

در آسیب‌شناسی حوادث جنگ ۱۲ روزه، سه محور مهم در حوزه پدافندی شناسایی شد که نظام دچار ضعف بود. مهم‌ترین آن ضعف در عملکرد پدافند غیرعامل بود. متأسفانه این مجموعه ضمن اینکه توانست مردم را به وقت مقتضی از مخاطرات و حملات هوایی آگاه کند در عین حال پاسخ قانع‌کننده‌ای برای کم‌کاری‌های و یا ترک فعل خود ارائه نکرده است.

محور دوم، پدافند عامل بود. آن‌طور که مورد انتظار بود، سایت‌های ضد هوایی نتوانست از حریم کشور در برابر حملات دشمن دفاع کند. البته در این باره یک طرفه نباید قضاوت کرد، بررسی دقیق‌تری نیاز است و نیروهای مسلح نیز باید با توجه کافی پاسخ دهند. اما واقعیت تلخ صحنه و آنچه آشکار شد این بود که دشمن بی‌کمترین محدودیت و یا عامل بازدارنده‌ای هر چه اراده کرد، عمل کرد.

محور سوم، پدافند روانی و رسانه‌ای است. در جریان جنگ روایت‌ها، رسانه‌های حامی کاملاً غایب بودند. روایت رسمی فقط به بنگاه خبری صدا و سیمای جمهوری اسلامی منحصر و محدود شد اما کافی نبود. در حالی که دشمن از ابزارهای رسانه‌ای گسترده جهانی استفاده کرد. برای رفع فوری این ضعف آشکار و فراگیر روایت غیررسمی جنگ، عارضه یکجانبه‌گرایی رسانه‌ای را باید کنار گذاشت. استفاده از عباراتی که مردم را بالمره متهم نشان بدهد، آسیب بزرگی است. باید اصل بر برائت باشد و سلامت افکار عمومی و وفاداری ارباب رسانه به نظام را در تحلیل‌ها، نقدها و توصیفات آنها اصالت بخشید. آحاد ملت ایران، شریف‌اند و ملی و وفادار به تمامیت ارضی و استقلال کشور؛ مگر اینکه شُد و ندر خلافت ثابت شود. این زاویه نگاه در سیاست انتخاباتی هم متأسفانه جاری است به‌خصوص انتخابات پارلمان که سال‌های متمادی است گرفتار همین کیج‌فهمی؛ و نگاه منفی به نامزد‌هاست. نهاد نظارت بر انتخابات شورای نگهبان نوعاً و با کمال تعجب، اصل را بر عدم صلاحیت نامزدها می‌گذارد. مگر اینکه خلافتش ثابت شود. این منطق پایمال کردن حق ذاتی مردم است که باید اصلاح شود. تعمیم این نگاه به سایر حوزه‌ها به‌خصوص حوزه فرهنگ و رسانه نه‌تنها نادرست بلکه بسیار خطرناک است. اگر چنین ذهنیتی عمومیت پیدا کند حتماً باید در برابر آن مقاومت کرد و مشفقانه نصیحت کرد. این مسیری نیست که منجر به تقویت سرمایه اجتماعی شود.

ادامه تیتیریک

شهامت استرداد

یعنی دولت می‌گوید که می‌خواهد در مقام دفاع از حیثیت اشخاص، آسیب به امنیت روانی و مواردی که در بالا گفته شد، باشد. می‌گوید الان نارسایی دارند زیرا اکنون براساس ماده ۷۴۶ و ۵۰۰ تعزیرات با نشر اکاذیب رایانه‌ای و تبلیغ علیه نظام برخورد می‌شود. مجازات یکی از آنها سه ماه تا یک سال است (تبلیغ علیه نظام) و مجازات نشر اکاذیب رایانه‌ای ۳ ماه تا ۲ سال است و همین لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع گفته است که می‌خواهد، جایگزین ماده نشر اکاذیب رایانه‌ای شود. یعنی می‌خواهد خلأ قانونی در این باره را بردارد یعنی دولت می‌گوید ۳ ماه تا ۲ سال کافی نیست بلکه باید مجازات بیشتری را اعمال کنیم زیرا تلقی این است که هر مطلبی ولو خلاف واقع (طبق تعریف بند سوم ماده یک این‌طور تعریف می‌شود که حتی گزارش ناقص از حقیقت است) می‌خواهد هم حیطه مداخله را توسعه دهد با این اقدام و هم پاسخ را شدیدتر کند. مجازات‌های مندرج در مصوبه جدید ۶ ماه تا ۲ سال، ۲ سال تا ۵ سال، ۵ سال تا ۱۵ سال است. آن هم به خاطر نشر یک مطلب خلاف واقع.

برهانی معتقد است: «اساسا کسانی که ایسن قانون را نوشته‌اند هیچ باوری بر این نکته ندارند که پاسخ مطلب خلاف واقع در شبکه اجتماعی مجازات نمی‌خواهد. پاسخ بیان است. یعنی زمانی مطلب خلاف واقع به آبروی اشخاص لطمه می‌زند اینجا یا می‌توان از ابزار کیفری استفاده کرد یا می‌توان از ابزار حقوقی برای جبران خسارت استفاده کرد اما در کمال تعجب در این لایحه حفاظت از حیثیت اشخاص یک بخش جزئی است و دغدغه اصلی نویسندگان امنیت روانی جامعه، موقعیت حساس کنونی، جرایم علیه سلامت عمومی جامعه و امثالهم است. بنابراین اینگونه نیست که آبروی افراد محوریت داشته باشد. چیزی که در این لایحه محوریت دارد و آقایان برای آن قانون‌نویسی کرده‌اند و برای آن مجازات‌های عریض و طویل گذاشته‌اند این است که نه تنها دروغ‌گویی مجازی بلکه بیان ناقص حقیقت در فضای مجازی باید مجازات شود. اساسا چنین جرم‌انگاری‌ای در دنیای امروز ظاهراً بی‌نظیر است! آقایان به این توجه نمی‌کنند که پاسخ بیان، بیان است و پاسخ خلاف بیان واقع بیان صحیح است و پاسخ بیان ناقص، بیان کامل است. اینجاست که می‌گوییم این لایحه دقیقاً آزادی بیان را نشانه رفته است. افزایش هزینه برای صاحبان بیان و بنان و محافظه کار کردن و واداشتن ایشان به سمت سکوت و عدم نوشتن و گفتن».

همسو با دولت سبزدهم؟

پس از بالا گرفتن اعتراضات، دولت تلاش کرد تا واکنش‌هایی تعدیلی ارائه دهد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در توضیحی مدعی شد که «موضوعاتی از جنس انتقاد و پیشنهاد در لایحه به رسمیت شناخته شده‌اند» و تأکید کرد که هدف لایحه، مبارزه با اخبار جعلی و حفاظت از روان عمومی جامعه

بازتاب

به امید اتحاد بیشتر

جوابیه روابط عمومی صداوسیما و پاسخ مجدد روزنامه سازندگی

با سلام و احترام

از توجه و حساسیت آن رسانه به مسائل مهم حوزه رسانه و فرهنگ کشور سپاسگزاریم و همواره تقد‌های منصفانه و دلسوزانه را پاس می‌داریم. بی‌تردید، رشد و اعتلای فضای رسانه‌ای کشور در گرو تعامل، گفت‌وگو و تضارب آراست و تقد‌های سازنده، سهم بسزایی در ارتقای کیفیت کار رسانه‌ها دارند.

در خصوص نکات مطرح شده، لازم به تأکید است که برنامه اینترنتی مورد اشاره با مجوز وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کنند، نه سازمان صداوسیما و ساترا. در خصوص انتساب یک مجری یا کارشناس رسانه‌ای به سازمان صداوسیما، ذکر این نکته ضروری است که حضور افراد در رسانه ملی الزاماً به معنای مسئولیت مستقیم و جاری سازمان نسبت به تمامی فعالیت‌ها و اظهارنظرهای آنها در سایر فضاهای رسانه‌ای نیست.

سازمان صداوسیما همواره بر رعایت اخلاق حرفه‌ای و احترام متقابل در فضای رسانه‌ای کشور تأکید داشته و انتظار



است. اما آیا این توضیحات برای قانع کردن جامعه کافی است؟ دولت همچنین وعده داده است که نشست‌هایی با حضور نخبگان، حقوقدانان و فعالان سیاسی برگزار خواهد کرد و رئیس‌جمهور اعلام کرده که نتیجه این نشست‌ها- حتی اگر منجر به استرداد لایحه شود- مورد پذیرش دولت خواهد بود. اما همین موضوع نیز با واکنش انتقادی بسیاری روبه‌رو شده است. چرا این نشست‌ها پس از تصویب لایحه دوفوریتی و نه قبل از ارسال آن به مجلس برگزار می‌شوند؟ چرا دولت برخلاف موضع قبلی خود مبنی بر عدم ضرورت این لایحه، آن را چراغ خاموش و با فوریت به مجلس فرستاده است؟

منتقدان معتقدند که اگر واقعا لایحه نیاز به کار کارشناسی داشته، چرا پیش از ارسال به مجلس، فرایند بررسی‌های نخبگانی انجام نشده است؟ عباس آخوندی، وزیر پیشین راه و شهرسازی با صراحت خواستار پس گرفتن فوری این لایحه شده و آن را حتی بدتر از لایحه حجاب خوانده است. او تأکید می‌کند که این لایحه «قابل اجرا نیست» و فقط به «سلب اعتماد و ایجاد شکاف عمیق در جامعه» می‌انجامد.

از سوی دیگر، بند دوم بیانیه اخیر معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری به‌روشنی ادعا کرده که «موضع ما این بود که این لایحه ضرورت ندارد». این تضاد در گفتار و رفتار دولت، شبانه‌هایی در خصوص نحوه تصمیم‌گیری درون دولت و هماهنگی میان بخش‌های مختلف آن ایجاد کرده است. نکته‌ای که در میان همه این انتقادات برجسته می‌شود، این است که جامعه نگران است این لایحه نه‌تنها دست دولت در کنترل جریان آزاد اطلاعات را باز می‌گذارد بلکه زمینه‌ساز تهدیدی جدی برای رسانه‌های مستقل و صداهای منتقد است. در روزگاری که سرمایه اجتماعی دولت به‌شدت آسیب‌پذیر شده، تلاش برای اعمال محدودیت‌های جدید، ممکن است به بهایی بسیار سنگین برای حاکمیت منجر شود. دولت می‌تواند هنوز با بازپس‌گیری این لایحه، گفت‌وگویی واقعی با نخبگان آغاز کرده و اعتماد از دست رفته را بازسازی

درد این دغدغه، وجه مشترک همه اصحاب رسانه باشد.

در پایان بار دیگر بر اهمیت حفظ حرمت، اخلاق و گفت‌وگو در فضای رسانه‌ای کشور تأکید می‌کنیم و تقد‌های منصفانه و مستند را فرصت ارزشمندی برای پیشرفت و اصلاح امور می‌دانیم. امید است این مسیر با سعه‌صدر، تعامل سازنده و مسئولیت‌پذیری هرچه بیشتر ادامه یابد.

با آرزوی توفیق / روابط عمومی سازمان صداوسیما

پاسخ به جوابیه دوم

با سلام و احترام

در پی انتشار دومین جوابیه سازمان صداوسیما به گزارش روزنامه سازندگی، نکاتی را برای تئویر افکار عمومی لازم می‌دانیم، یادآور شویم:

از همان ابتدا بهتر بود سازمان صداوسیما با صداقت و شفافیت اعلام می‌کرد که برنامه مورد اشاره با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند؛ نه آنکه در پاسخ اولیه، به‌جای روشن‌گری، تلاش شود تا روزنامه سازندگی مورد

کند. اما اگر به بهانه ضرورت مقابله با اخبار جعلی، لایحه‌ای مبهم، غیرشفاف و ابزارمحور را تحمیل کند شاید به‌زودی باید هزینه سیاسی و اجتماعی آن را نیز بپردازد. مردم ایران تجربه کافی از طرح‌هایی نظیر صیانت دارند؛ آنها به‌درستی می‌دانند که مرز میان مبارزه با دروغ و مهار حقیقت، بسیار باریک است.

حال لایحه‌ای که به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، فعالان سیاسی و اصحاب رسانه، در ماهیت تفاوت چندانی با طرح صیانت ندارد. انتقادات گسترده‌ای را برانگیخت. آن‌طور که اعلام شده، این لایحه فقط شامل پلتفرم‌ها، کانال‌ها و گروه‌هایی بسا بیش از ۹۰ هزار دنبال‌کننده می‌شود، اما مخالفان معتقدند که معیارهای ابهام‌آمیز، ابزارهای نظارتی غیرشفاف، و نبود سازوکار دادرسی منصفانه، می‌تواند به محدودسازی گسترده آزادی بیان و سرکوب رسانه‌های مستقل بینجامد.

همان روز که پارلمان لایحه دوفوریتی دولت چهاردهم را تصویب کرد، جمعی از نمایندگان مجلس با گرایش‌های مختلف سیاسی در نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور خواستار پس گرفتن لایحه شدند. در این نامه آمده است: «آیا پاسخ آن همراهی کم‌نظیر مردم در دفاع از کشور باید تحدید آزادی بیان، تهدید رسانه‌های مستقل و تضعیف فضای مجازی باشد؟» این نامه نه‌تنها از منظر محتوایی مهم است بلکه از منظر سیاسی نیز نشانه‌ای از شکل‌گیری جبهه‌ای فراگیر علیه این رویکرد جدید دولت به شمار می‌رود. نمایندگانی از جناح‌های مختلف، از اصلاح‌طلب تا اصولگرا، در مخالفت با این لایحه هم‌صدا شده‌اند. این هم‌صدایی کم‌نظیر نشان می‌دهد که خطر این لایحه صرفاً حقوقی یا رسانه‌ای نیست بلکه تهدیدی برای انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی است.

در تله شفاف‌سازی با لایحه محدودسازی

آزمون اصلی پیش‌روی پزشکیان اکنون مشخص است. آیا به وعده‌های انتخاباتی خود درباره آزادی، گفت‌وگو و شفافیت پایبند می‌ماند یا در مسیر تکراری محدودسازی و انحصار اطلاع‌رسانی، راه دولت پیشین را ادامه می‌دهد؟ حاکمیت دیجیتال، یکی از حساس‌ترین و اثرگذارترین حوزه‌های حکمرانی در ایران امروز است. از سوی دیگر، دولت پزشکیان در روزهای ابتدایی عمر خود با نخستین بحران جدی مواجه شده است؛ بحرانی که نه‌تنها آینده سیاست‌های اینترنتی کشور بلکه میزان پابیندی دولت به شعارهایش را تعیین می‌کند. لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع» صرف‌نظر از عنوان رسمی‌اش در عمل به ابزاری برای کنترل رسانه‌ها و تحدید آزادی‌های مدنی تعبیر شده است. همین تعبیر، خطرناک‌تر از خود لایحه است؛ زیرا گواهی است بر بی‌اعتمادی روزافزون جامعه به سیاست‌گذار. آیا رئیس‌جمهوری که خود را همواره سمت مردم دانسته، این بار نیز در کنار مردم می‌ایستد؟ زمان پاسخ به این پرسش، خیلی دور نیست.

اتهام قرار گیرد و تمرکز از موضوع اصلی منحرف شود.

رویکرد روزنامه سازندگی همواره نقد مسئولانه و در چارچوب قانون بوده است. گزارش مورد اشاره نیز دقیقاً در همین راستا تنظیم شد، نه با هدف متهم کردن نهادی خاص بلکه با هدف پرسشگری درباره جایگاه نهادهای مسئول در مواجهه با محتوایی که بازتاب اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای دارد.

اگر روابط عمومی محترم صداوسیما از ابتدا به همین نکته ساده و کلیدی که پلتفرم مربوطه تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است اشاره می‌کرد، نیازی به حاشیه‌سازی و واکنش‌های بعدی نبود.

در پایان تأکید می‌کنیم که رسانه مستقل و مسئول باید بتواند، بی‌واهمه از برجسب و اتهام، در مسیر شفاف‌سازی و نقد سازنده حرکت کند. امیدواریم صداوسیما نیز در مواجهه با نقد، به‌جای تخطئه رسانه منتقد، با سعه‌صدر و رویکرد حرفه‌ای برخورد کند.

به امید اتحاد بیشتر / روزنامه سازندگی



سال هشتم شماره ۲۰۲۷
سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۴۰۴

بررسی تحولات جهان

افق

ترامپ، غزه و ایران

رئیس‌جمهور آمریکا ضمن تایید وضعیت قحطی در غزه از لزوم تغییر رویکرد اسرائیل سخن گفت و ادعاهای خود علیه ایران را تکرار کرد

گروه بین‌الملل: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده روز گذشته (دوشنبه) در زمین گلف خود در اسکاتلند میزبان کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس بود و مورد محورهای مختلفی با او به گفت‌وگو نشست که یکی از آنها پرونده غزه و وضعیت اسف‌بار انسانی در این باریکه بود. او در بخشی از سخنان خود رد جمع خبرنگاران گفت که از نتایج خواسته رویکرد متفاوتی در مورد نوار غزه اتخاذ کند و شاید باید این کار را به روش دیگری انجام دهد.

رئیس‌جمهور آمریکا در طول دیدار خود با استارمر به شرایط اسفناک غزه اذعان کرد و گفت که براساس تصاویر تلویزیونی، بچه‌ها خیلی گرسنه به نظر می‌رسند. کودکان در نوار غزه باید فوراً غذا و امنیت داشته باشند». ترامپ در پاسخ به سوالی درباره ادعای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل مبنی بر عدم وجود قحطی در غزه گفت که «به طور خاص با نتانیاهو موافق نیستم زیرا تصاویر تلویزیونی نشان می‌دهد که کودکان در غزه بسیار گرسنه هستند. اما ما به غزه ۶۰ میلیون دلار کمک کردیم و هیچ‌کس از ما تشکر نکرد!»

ترامپ در پاسخ به سوالی در مورد به رسمیت شناختن

دیپلماسی

شیوه جدید

برنامه جدید ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه (دوشنبه) در بخشی از نشست خبری خود به موضوع همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کرد. او در این خصوص گفت که ما همچنان طرف موافقت‌نامه‌های پادمان هستیم و قرار است یک شیونامه جدید با آژانس با در نظر گرفتن مصوبه مجلس شورای اسلامی که برای ما الزام‌آور است، تعریف کنیم تا ببینیم چگونه می‌توانیم همکاری‌ها را ادامه دهیم. بقایی همچنین اعلام کرد که احتمالاً ظرف دو هفته آینده، یکی از مقام‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران بازدید خواهد کرد و در جریان این دیدار، قرار است درباره ابعاد فنی این موضوعات گفت‌وگو صورت گیرد.

او در خصوص تداوم یا توقف غنی‌سازی در داخل هم اعلام کرد که موضع ما (ایران) در خصوص غنی‌سازی خیلی صریح توسط وزیر محترم امور خارجه بیان شد. ما فکر می‌کنیم صورت‌مساله بسیار ساده است؛ اگر قرار است جمهوری اسلامی ایران عضو معاهده عدم اشاعه (ان.پی.تی) باقی بماند، این مانده باید همراه با بهره‌مندی از حقوق و مزایای مترتب بر این عضویت باشد. نمی‌توان انتظار داشت، کشوری عضویت خود را در معاهده عدم اشاعه ادامه دهد اما از حقوق تصریح شده در این معاهده به‌ویژه در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، محروم بماند. بنابراین تکلیف ادامه برنامه هسته‌ای ایران از جمله غنی‌سازی کاملاً روشن است.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره شرایط بازگشت به میز مذاکرات از سوی ایران و دریافت تضمین‌هایی در این زمینه اعلام کرد که بزرگ‌ترین تضمین ما، قدرت ماست. اما واقعیت این است که آمریکا علاوه بر ارتکاب یک جنایت بین‌المللی و نقض فاحش منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل، ضربه شدیدی به اصل دیپلماسی و مذاکره وارد کرد و این را نباید دست‌کم گرفت. اینکه دو کشور حین مذاکره در حالی که برای دور بعدی مذاکره قرار گذاشته‌اند و قرار است گفت‌وگو داشته باشند، یکی از طرف‌ها ناپ خود را تشویق به تجاوز نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیزی که ۲۴ ساعته تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشته و به‌هیچ عنوان امکان انحراف به سمت تسلیحات ندارد؛ بی‌سابقه است. بقایی تصریح کرد که هیچ توجهی برای این حمله نظامی قائل نیستیم. نکته‌ای که مذاکره‌کنندگان ما بر آن تأکید کرده‌اند، این است که شرط هر مذاکره‌ای، تغییر رفتار و تغییر نگاه نسبت به اصل مذاکره است.



نابود خواهیم کرد». ترامپ همچنین در بخشی از اظهارات خود، ایران را به دخالت در مذاکرات آتش‌بس غزه متهم کرد و مدعی شد که فکر می‌کنم آنها در این مذاکرات دخالت داشتند و به حماس دستوراتی دادند و سیگنال‌هایی فرستادند؛ این خوب نیست. این مواضع ترامپ در دیدار با نخست‌وزیر انگلیس در حالی صورت می‌گیرد که او (یک‌شنبه) در دیدار با اورزولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا با اشاره به تهاجم اخیر ایالات متحده به ایران اظهار کرد که «طبق دلایل کاملاً موجه، ضربات سنگینی به ایران وارد شده است. ایران حق داشتن سلاح هسته‌ای ندارد اما آنها همچنان درحال صحبت درباره غنی‌سازی اورانیوم هستند. این احمقانه است، به آنها حق چنین چیزی را نخواهیم داد».

به ایران وارد شد، این کشور از مذاکرات خارج شده است. اگر ایران دوباره به سراغ برنامه هسته‌ای خود برود، سریع‌تر آن را به کل نابود خواهیم کرد». ترامپ در ادامه اظهارات خود علیه ایران با اشاره به اظهارات اخیر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران مبنی بر غیرقابل مذاکره بودن حق ایران برای داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و کامل که برنامه غنی‌سازی اورانیوم را نیز شامل می‌شود، مدعی شد که وزیر خارجه ایران اظهاراتی را بیان کرد که نباید می‌گفت.

رئیس‌جمهور آمریکا همچنین با تهدید دوباره ایران گفت که «اگر ایران دوباره به سراغ برنامه هسته‌ای برود با رضایت تمام به آن حمله خواهیم کرد و دوباره برنامه هسته‌ای آن را

اروپا

هشدار مسکو

چرا روسیه از آماده‌سازی غرب برای عملیات در آسیا و خاور دور نگران است؟

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه اخیراً اظهاراتی را مطرح کرده که از نگرانی‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی مسکو از تحرکات ایالات متحده و اتحادیه اروپا در قبال آسیا و خاور دور حکایت دارد. او به دلیل تهدیدهای فزاینده، از جمله از سوی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیش‌بینی کرد که در سال‌های آینده، دشواری‌های زیادی در حوزه امنیتی به وجود خواهد آمد. لاوروف در تشریح اینکه چرا بحران‌هایی را برای سیستم امنیت جهانی در ۱۰ سال آینده متصور است، گفت که گسترش ناتو و نفوذ این ائتلاف نظامی، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. در همین حال مشکلات در مناطق همسایه از جمله در خاورمیانه، فلسطین، ایران، سوریه همچنین در لیبی و عراق هنوز تمام نشده است. کشورهای غربی به ویژه آمریکا نیز این واقعیت را کتمان نمی‌کنند که بسیار علاقه‌مند به گسترش نفوذ قدرت خود در منطقه آسیا و اقیانوسیه هستند. او در همین ارتباط تأکید کرد پس از آنچه که کشورهای غربی در ایران، خاورمیانه و اوکراین انجام داده‌اند، در حال حاضر در حال آماده‌سازی عملیات در خاور دور و آسیا از جمله شبه جزیره کره هستند. وی خاطرنشان کرد که عملیات‌هایی در حال حاضر در خاور دور، دریای چین جنوبی، تنگه تایوان، دریای چین شرقی و به طور گسترده‌تر در جنوب شرقی و شمال آسیا از جمله شبه جزیره کره در حال برنامه‌ریزی هستند و ما به دقت آنها را رصد و تحلیل می‌کنیم.

وزیر امور خارجه روسیه تصریح کرد که چنین اقداماتی نشان‌دهنده تلاش کشورهای غربی برای حفظ سلطه و جایگاه خود به عنوان یک «هژمون» است. لاوروف در پایان ابراز اطمینان کرد که جهان چندقطبی بر این تلاش‌ها در نهایت غلبه خواهد کرد.



پس از تصویب این قانون هرگونه همکاری با سازمان (آژانس) بین‌المللی انرژی هسته‌ای (اتمی) را تا حصول شروط زیر به حالت تعلیق درآورد:

شرط اول «حصول اطمینان از رعایت کامل حاکمیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به ویژه تأمین امنیت مراکز و دانشمندان هسته‌ای به تشخیص شورای عالی امنیت ملی» را مورد اشاره قرار می‌دهد و در شرط دوم آمده است که «حصول اطمینان از رعایت کامل حقوق ذاتی جمهوری اسلامی ایران در بهره‌مندی از کلیه حقوق مصرح در ماده (۴) معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به ویژه غنی‌سازی اورانیوم به تشخیص شورای عالی امنیت ملی». همچنین در تبصره ۱ این قانون آمده است که «اطمینان از تحقق شروط مذکور پس از گزارش سازمان انرژی اتمی با تصویب شورای عالی امنیت ملی احراز خواهد شد. دولت مکلف است هر سه ماه یک‌بار گزارش تحقق شروط مذکور را به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی ارائه نماید». در تبصره ۲ هم به این موضوع اشاره شده که «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل توسط هر شخص که سبب عدم اجرا یا اجرای ناقص تکلیف مقرر در این قانون شود، جرم محسوب شده و در صورتی که مشمول مجازات شدیدی نباشد، مرتکب به یک یا چند مورد از مجازات‌های تعزیری درجه ۶ موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی محکوم می‌شود.

قرار نیست مذاکره یا دیپلماسی، ابزاری برای زورگویی و ارباب طرف مقابل باشد. مادامی که ما اطمینان حاصل کنیم که مصالح و منافع ما از طریق مذاکره تأمین می‌شود حتماً در استفاده از دیپلماسی برای این منظور درنگ نخواهیم کرد.

روال جدید در میانه قانون تعلیق همکاری

اظهارات سخنگوی وزارت خارجه در مورد شیونامه همکاری جدید با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اینکه قرار است، سفر احتمالی از سوی یکی از مقامات این نهاد طی هفته‌های آتی به ایران انجام شود از این جهت اهمیت دارد که «قانون الزام دولت به تعلیق همکاری با سازمان (آژانس) انرژی هسته‌ای (اتمی)» در جلسه چهارم تیر ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۴ تیر ۱۴۰۴ به تأیید شورای نگهبان رسید و در نهایت ۱۱ تیرماه از سوی رئیس‌جمهور پیشکین برای اجرا به سازمان انرژی اتمی، شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه ابلاغ شد.

این اقدام در چارچوب اجرای اصل یکصدویست‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام شد که در ماده واحده این قانون آمده است که با توجه به نقض حاکمیت ملی و حملات انجام شده علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران توسط رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا نسبت به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز کشور و به مخاطره افتادن منافع عالیه جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است بلافاصله



وبترین: تازه‌های کتاب

پناه بردن به تخیل و تنهایی

نگاهی به دو رمان **شیب تاریک راه** و **سایهٔ سنار** منیرالدین بیروتی



همهٔ انسان‌ها، فارغ از نژاد، طبقه و ملیت‌شان در زندگی عادی خود لحظاتی از درد و رنج را تجربه کرده و با بداقبالی‌های گوناگونی مواجه شده‌اند. این افراد بنا بر خصوصیات شخصیتی و کمک اطرافیان خود، نسبت به این وقایع ناگوار، واکنش مختلفی نشان داده و با آنان به شیوهٔ خاص خود برخورد می‌کنند. حال فردی را تصور کنید که از یک‌طرف تنها و منزوی شده و از طرفی دیگر در تمامی ابعاد زندگی، از کار و حرفه‌اش گرفته تا محل اقامتش با بحران روبه‌رو شده است. گویی مورد غضب خدایان قرار گرفته و آماج لعن و نفرین فرشتگان مقرب شده است. چنین انسانی هیچ مأمنی جز تخیل و افکار خود نداشته و برای نجات هیچ کاری از دستانش بر نمی‌آید جز فرار از واقعیت. رمان «شیب تاریک راه» منیرالدین بیروتی، داستان چنین آدمی است.

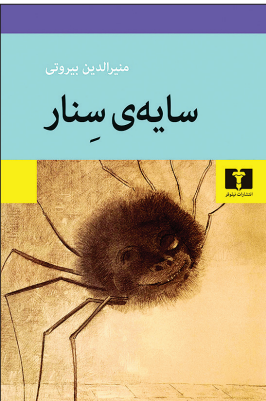
منیرالدین بیروتی، نویسندهٔ صاحب سبکی که در بسیاری از داستان‌هایش به دنیای نویسندگان و درگیری آن‌ها با زندگی و نوشتن می‌پردازد در «شیب تاریک راه» به داستان یک هفته از زندگی نویسنده‌ای است که هم درگیر نوشتن رمان تازه‌ای است، هم درگیر رمانی که نوشته اما به گرفت‌وگیر چاپ و نشر افتاده و هم درگیر اثاث‌کشی و بالا رفتن اجاره‌خانه و گرانی‌ها. شاید بتوان گفت «شیب تاریک راه» داستان پناه بردن آدمی است به تخیل و تنهایی برای تحمل یا حتی فرار از واقعیت، واقعیتی که رحم ندارد و نه فلسفه می‌فهمد و نه نوشتن و نه هیچ چیز دیگر؛ هر چند این پناه بردن به تخیل و تنهایی مثل همهٔ این جور پناه بردن‌ها در این هستی بی‌تقاص نیست و لابد نویسندهٔ شیب تاریک راه هم به تقاص همین پناه آوردن به تخیل و تنهایی است که عاقبت مرز میان خیال و واقعیت را گم می‌کند. بیروتی در رمان قبلی‌اش به اسم «رگ قلع» هم داستان نویسنده‌ای را روایت کرده که مرزهای بین واقعیت و خیال را گم کرده و توانایی تشخیص این دو از یکدیگر را از کف می‌دهد. مطالعهٔ مان‌های بیروتی هم به‌سبب داستان گیرا و تفکربرانگیزشان و هم از جهت تثر روان و روایت نو و درخشانی که دارد بسیار لذت‌بخش است. منیرالدین بیروتی، راوی خستگی‌ناپذیری است که از نیمهٔ دوم دههٔ ۷۰ تاکنون از نام‌های معتبر و شناخته‌شدهٔ داستان ایران بوده است. او در رمان‌ها و مجموعه داستان‌هایش هم به «چه گفتن» توجه بسیار داشته و هم به «چگونه گفتن»؛ این توجه به «چگونه گفتن» اکنون بیروتی را صاحب صدا و سبکی خاص خود کرده است. آن‌گونه که هر کتابش در فضای ادبی ایران می‌تواند یک اتفاق محسوب شود.

شاگرد گلشیری

منیرالدین بیروتی متولد سال ۱۳۴۹ در بغداد است. حضور در کلاس‌های هوشنگ گلشیری و بعدها کلاس‌های شهریار مندنی‌پور که تأثیر آن‌ها در داستان‌های او مشهود است، از او داستان‌نویسی سناخته که با تکیه بر زبان و تثر سعی در خلق و ایجاد فضاهای نو دارد، به‌ویژه این‌که در هر اثر او می‌توان ردپای یک تکنیک و فرم متفاوت را جست‌وجو کرد. بیروتی در گفت‌وگویی دربارهٔ تأثیر کلاس‌های گلشیری بر داستان‌هایش گفته است: «من شاید دیر رسیدم به گلشیری. همان یکی -دو سال آخر زندگی‌اش. بنابراین چون همیشه خیال می‌کردم و خیال می‌کنم که دیر است و دیر شده، پس هر حرفی که می‌زد و هر یادداشتی که در حاشیهٔ داستانی می‌نوشت برایم حکم یک قانون داشت و هر جلسه‌ای که می‌رفتم و روبه‌رویش می‌نشستم با ولعی تمام‌نشدنی حرف‌هایش را می‌قایدم و می‌بلعیدم، اما این به این معنا نیست که حرف‌های بقیه برایم اهمیت نداشت. آن

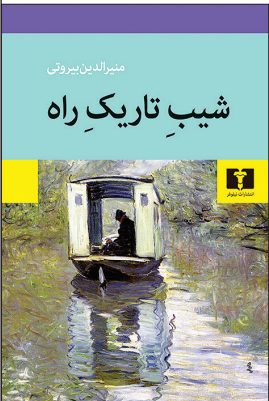
سایهٔ سنار

منیرالدین بیروتی
انتشارات نیلوفر
۳۹۴ صفحه
۴۴۵ هزار تومان



شیب تاریک راه

منیرالدین بیروتی
انتشارات نیلوفر
۵۰۲ صفحه
۴۴۵ هزار تومان



شاپور جورکش، شاعر، مترجم، منتقد، پژوهشگر ادبی و نمایش‌نامه‌نویسی بود که دو سال پیش (۶ مرداد ۱۴۰۲) در ۷۳ سالگی درگذشت.

جورکش دربارهٔ وضعیت روشن‌فکران در ایران می‌گفت: «من همواره احساس می‌کردم که ما بحرانی به نام بحران شعر یا داستان نداریم بلکه هر چه داریم، بحران نقد و نظر است. ما در زمینهٔ پژوهش با بحران روبه‌رو هستیم. روشن‌فکران ما بیشتر روشن‌فکر شفاهی هستند. در حالی که یک تعریف روشن‌فکر این است که مدام در همه چیز شک می‌کند. اما در ایران یک‌دفعه ذهن روشن‌فکر با نظر یک منتقد غربی مسدود می‌شود، ضعف پژوهش از یک سو و عدم مطالعه روشن‌فکران از سوی دیگر از مشکلات روشن‌فکران ما به حساب می‌آیند.»

چرخش از تئاتر به شعر

شاپور جورکش ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۹ در فسا به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا فوق‌لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شیراز ادامه داد و تا سال ۱۳۵۸ در دانشگاه تدریس می‌کرد و در سال‌های آخر عمر هم گروه ترجمهٔ شیراز را هدایت می‌کرد و در دانشگاه‌های خصوصی و مراکز آموزشی به تدریس می‌کرد. کار شاپور جورکش پیش از انقلاب تئاتر بود و سرپرستی کمیتهٔ تئاتر دانشگاه شیراز را از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ به عهده داشت.

تدریس در کارگاه تئاتر کودک تلویزیون مرکز شیراز از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ از دیگر فعالیت‌های او بود. بعد از آن‌که فعالیت تئاتری در شیراز با موانعی روبه‌رو شد، کار فردی‌تری را برای بیان و بروز انتخاب کرد و به سمت شعر رفت و ادبیات عرصهٔ فعالیت شاپور جورکش شد.

نقد: سریال ایرانی

سرقتی که شکل نگرفت

نگاهی به سریال **کنکل** که در شبکه خانگی منتشر شد

سبیس سعی کرد در سکانس پایانی همان قسمت، مخاطب را با غافلگیری به سمت سریال بکشاند و حتی با استفاده از فلش‌بک‌های کوتاه که باعث سردرگمی می‌شود، اطلاعات را قطره‌چکانی تزریق کند و دائم به تماشاگر رودست بزند اما این نوع شیوه «رامتین لوفی‌پور» باعث شده این ۱۰ قسمت فاقد کشش و تعلیق باشد و از ریتم سریال بکاهد، ایجاد تعلیق در نگارش فیلمنامه، تنها رودست زدن به تماشاگر نیست. در «کنکل» قرار است یک سری از کارگران کارخانه دست به سرقت کلانی بزنند اما به دلیل ایرادات وافر باعث شده که سرقت از لحاظ بصری شکل نگیرد چراکه شخصیت‌ها بیشتر دنبال حواشی هستند و می‌خواهند با خوشمزگی، سرقت بزرگ را به حاشیه ببرند.



فرزانه متین

گروه سینما و تلویزیون

شبکه «استارتنت» از ۱۱ اردیبهشت با پخش سریال «کنکل» به صورت رسمی و البته رایگان وارد رقابت با سایر پلتفرم‌های خانگی در جذب مخاطب شد. این سریال به نویسندگی و کارگردانی «رامتین لوفی‌پور» که در ژانر تریلر، معمایی و درام سناخته شده در حال حاضر با پخش قسمت دهم، یکی از ضعیف‌ترین و بی‌محتواترین آثار نمایش خانگی است. در ابتدا نام سریال، کنکل که همان کنسل است و در فضای مجازی به آن پرداخته شده، باعث یک سری انتقادات شد. انتخاب نام برای فیلم‌ها یکی از مهم‌ترین نکات کلیدی در فیلمنامه است، انتخاب آن می‌تواند بر اساس یکی از کاراکترها باشد مانند «سارا»، «ترگس»، «شهرزاد» و... یا بر اساس یک حادثه در محتوای فیلم «فرار از زندان»، «سرقت بزرگ قطار» و... یا به مکانی ارجاع داده شود مانند «شکارگاه» یا به شرایط و جو حاکم بر سریال اشاره کند مانند «پیرپسر»، «۱۱ یار اوشن»، «تک‌تیرانداز» یا بر مفهومی در داستان دلالت کند مانند «وحشی»، «تاسیان» و... در ابتدا این نام اثر است که باعث جذب مخاطب می‌شود اما سریال «کنکل» از این قاعده در همان ابتدا مستثنا بود و فلاشب به تماشاگر گیر نکرد. «صابر ایر»، «هانیه توسلی»، «ستاره پسیانی»، «پدرام شریفی» و « مهدی پاکدل» از مط‌ح‌ترین بازیگرانی هستند که در «کنکل» به ایفای نقش می‌پردازند. داستان درباره دزدی مواد اولیه گرانقیمت یک کارخانه است که برای حفظ آبرو به بیرون کارخانه درز پیدا نمی‌کند. تا اینکه بالاخره پای پلیس به ماجرا باز می‌شود و شایعات در اطراف یکی از کارگران شدت می‌گیرد و بازداشت آن کارگر، آغازگر ماجراهای دیگری است. «لوفی‌پور» با ویرینی از بازیگران جوان، اولین تجربه‌اش را در سریال‌سازی از استارتنت شروع کرد که از همان قسمت اول یا پایلوت، نوید از یک سریال ضعیف در محتوا، اجرا و کارگردانی می‌داد. مهم‌ترین نکات ضعف آن بعد از انتخاب مقوله نام غیرموجه برای سریال، این بود که سازنده برگ برنده‌اش که بازیگران مجموعه هستند را در همان قسمت اول رو

تغییر ساختار

آیا منوچهر شاهسواری به وعده خود در برگزاری جشنواره عمل خواهد کرد؟

درباره چگونگی انتخاب داوران به همراه داشت. حتی فیلم برگزیده تماشاگران مایه بهت و حیرت بسیاری شد. شاهسواری به دلیل حضور در خانه سینما و انتخاب این فیلم در سال‌های گذشته در این تشکل صنفی، همیشه خود معرفی این فیلم را در اختتامیه برعهده می‌گرفت و تا پیش از متوقف شدن اهدای این جایزه، خاطره خوبی در این باره از خود به جای گذاشته بود اما در دوره پیش، انتخاب فیلم برگزیده تماشاگران یادآور خاطرات خوب گذشته نبود و برخورد سرد تماشاگران حاضر در مراسم اختتامیه را در پی داشت. این فیلم برخلاف روال همیشه در گیشه هم مورد استقبال قرار نگرفت و «پیشمرگ» با فروش کمی بیش از ۱۵ میلیارد از اکران عمومی برداشته شد.

حالا جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر از حیث داوری یکی از ضعیف‌ترین دوره‌ها لقب گرفته. به خصوص در انتخاب بازیگران برتر هنوز هم مشخص نشده که انتخاب داوران بر چه اساسی بوده و معیار آنها در انتخاب برترین کارگردان و بهترین فیلم هم همچنان مایه شگفتی است و همه اینها این دوره را به یکی خاطرات بد اهالی سینما بدل کرد و خستگی آن را به جان و دل علاقمندان و اهالی رسانه گذاشت.

شاهسواری پس از جشنواره سال گذشته در گفت‌وگو با بهروز افخمی تاکید کرد که ساختار برگزاری جشنواره فجر به هیچ فستیوال مهم و معتبر سینمایی در دنیا شباهت ندارد و اگر قرار باشد با همین روال برگزار شود، او حاضر به پذیرش دبیری دوره بعد نخواهد بود. او در این گفت‌وگو تاکید کرد که باید تغییرات اساسی در برگزاری این رویداد ایجاد شود. حالا معلوم نیست، پذیرش دوباره این مسوولیت به منزله توافق با ریس سازمان سینمایی و وزیر ارشاد در ایجاد این تغییرات است و یا اینکه دبیر دوره قبل از مواضع قبلی خود کوتاه آمده و همچنان جشنواره فجر با همان شرایط قبل برگزار خواهد شد.

کاش مدیران سازمان سینمایی و وزارت ارشاد و البته شاهسواری این جسارت را داشته باشند که چهل‌وچهارمین دوره را تغییرات اساسی برگزار کنند. رودریاستی را کنار بگذارند و با شرط حضور فیلم‌های باکیفیت هم انتخاب و هم داوری این آثار را بالا ببرند و هم هزینه‌های جشنواره را کاهش دهند. از همه مهم‌تر سفارش‌ها و استفاده از لابی و رانت را کنار بگذارند. جشنواره‌ای که در ۱۰ روز برگزار می‌شود لزوماً نباید با تعداد زیادی از فیلم‌های سینمایی ایران پر شود. مدیران این جشنواره تعهدی به سینمای ایران ندارند که محل نمایش هر فیلم با هر کیفیتی باشند. فیلم‌های برتر و برگزیده تنها باید به این جشنواره راه یابند تا هم دبیر، هم هیات انتخاب و هم ریس سازمان سینمایی بتواند از حضور این آثار دفاع کنند. نه اینکه مسوولیت این انتخاب را مدام بر گردن دیگری بیندازند. امید که شاهسواری این بار با هدف برگزاری جشنواره‌ای با کیفیت پا به این میدان گذاشته باشد و این فرصت را مغتنم بداند.



رئیس سازمان سینمایی با صدور احکامی، منوچهر شاهسواری را به عنوان دبیر جشنواره ملی فیلم فجر و روح‌الله حسینی را به عنوان دبیر جشنواره جهانی فیلم فجر منصوب کرد. شاهسواری سال گذشته هم از سوی فریدزاده به عنوان دبیر چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر منصوب شده بود که نتوانست این رویداد را آن‌طور که باید و شاید برگزار کند و محل انتقاد بسیاری شد. جالب اینجاست که در بخشی از حکم رائد فریدزاده خطاب به منوچهر شاهسواری آمده است: «نظر به سوابق و تجارب ارزشمند جنابعالی در عرصه صنعت تصویر به موجب این حکم به عنوان دبیر جشنواره ملی فیلم فجر منصوب می‌شود.» در واقع فریدزاده هم در دومین حکم خود به شاهسواری به سابقه و تجربه او در برگزاری جشنواره فیلم فجر اشاره‌ای نکرده چراکه احتمالاً دبیری دوره قبل را تجربه‌ای ارزشمند نمی‌داند و به همین دلیل به سوابق قبلی شاهسواری در مدیریت در خانه سینما و تهیه‌کنندگی‌اش اشاره کرده است.

واقعیت این است که منوچهر شاهسواری، چهره شناخته شده‌ای در سینماست و غیر از گروهی از تهیه‌کنندگان، اهالی سینما او را به عنوان مدیری معتدل می‌شناسند که بر آن احاطه دارد. تجربه او در مدیریت خانه سینما، شورای اتحادیه تهیه‌کنندگان و توزیع‌کنندگان فیلم ایران، رئیس شورای مرکزی اتحادیه و رئیس شورای صنفی نمایش به تجربه‌یاش در این عرصه افزوده و انتخابش به عنوان دبیر جشنواره سال گذشته با استقبال بسیاری از هنرمندان و اهالی رسانه روبه‌رو شد.

جشنواره فجر که تا سال‌های پیش از آن به محاق رفته بود و تماشاگران از حضور و شرکت در آن ادا داشتند به خاطر حضور شاهسواری در این سمت دوباره با استقبال روبه‌رو شد و هنرمندان فیلم‌های خود را به دبیرخانه آن فرستادند و به نشست‌های پرسش و پاسخ آن آمدند. همه اینها دستاوردهایی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. شاهسواری حتی در این زمینه اضافه‌کاری هم کرد و تعداد فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره را از ۲۲ فیلم به ۳۳ فیلم رساند که این اتفاق نه تنها کمکی به کیفیت آثار حاضر در جشنواره نکرد بلکه تنها به حجیم‌تر شدن جشنواره و اضافه کردن هزینه‌های بیشتر بر آن منجر شد و در نهایت انتقاد اهالی رسانه، منتقدان و مردم علاقمند به سینما که به ناچار اقدام به خرید سری بلیت‌های جشنواره کرده بودند، در پی داشت.

از سوی دیگر شاهسواری هر چقدر در آوردن حداکثر هنرمندان و آثارشان به جشنواره موفق بود اما نه هیات انتخاب چشمگیری با حضور چهره‌های شاخص سینما داشت و نه هیات داوری. عملکرد هر یک از این دو هیات به کرات مورد انتقاد بسیاری از اهالی سینما و رسانه قرار گرفت و برگزیدگان جشنواره، پرسش‌های بسیاری



خاص است. انتظار می‌رفت در روزگاری که این همه به امر نشر و کتاب خواندن بی‌عنایتی شده است، به نحوی این فرهنگ و فرهنگ‌آفرینان را از زیر ضربه فرهنگی در بیاورند.

گروه ترجمه شیراز

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی جورکش تأسیس گروه ترجمه شیراز بوده است. جورکش در گفت‌وگو با کتاب‌ماه ادبیات و فلسفه درباره چگونگی تشکیل این گروه می‌گوید: «این گروه در سال ۷۶ شکل گرفت و اگر لطف دکتر حسینی نوزی نبود شاید تشکیل این گروه عملی نبود. دکتر نوزی که مسوول بخش پژوهش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران است، ترجمه چند کتاب را به من سفارش دادند و از آنجا به فکر افتادم که از انرژی بالقوه دوستان استفاده کنم. علی معصومی که کار ترجمه را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند، ناهید سلامی، غلامرضا امامی، مرتضی ترسلی، پرویز صحت و مهری عبادی در این گروه همکاری دارند. دوستان مترجم دیگری مثل عباس مخیر، عباس زندیاف و مهدی غیرایی نیز که در تهران هستند، گروه را یاری داده‌اند. کارگروه در آغاز با کتاب‌های تاریخی شکل گرفت. این کتاب‌ها امکان تشکیل گروه را داد اما پس از آن به این نتیجه رسیدیم، ترجمه آثار نقد و نظر ادبی بهترین کاری است که می‌تواند انجام شود این کارها توسط خود گروه انتخاب می‌شود.»

از تیپ عاشق‌پیشه خارج شده است. شیوه صحبت کردن، نگاه کردن و حتی آدامس جویدن‌های بی‌رویه و خونسردی غیرمنطقی‌اش، باعث آزردگی مخاطب می‌شود. «مهدی پاکدل» کاملاً در تیپ فرو رفته و اصلاً در حد و اندازه کاراکتر به چشم نمی‌خورد. ضعیف‌ترین بازی از آن وی است و تماشاگر بیشتر اوقات او را در سریال فقط در حال سیگار کشیدن می‌بیند. به عنوان یک هنرپیشه، خوشحالی، ناراحتی، عصبانی و خشمگین شدن را به هیچ وجه نتوانسته حتی در حد متوسط نشان دهد. «هانیه توسلی» به عنوان منشی رئیس کارخانه که فقط در این ۱۰ اپیزود به مادر بودن‌اش اشاره شده که به صورت تصویری با پسرش صحبت می‌کند تا این جای سریال هیچ کارکرد خاصی ندارد. او که بعد از رفع ممنوع‌الکاری‌اش در این سریال بازی کرده در همه اپیزودها، بازی بکخواختی از خود ارائه داده است. او با «توسلی» گذشته خیلی فرق می‌کند و بازی‌اش چنگی به دل نمی‌زند.

هیچ‌کدام از شخصیت‌ها عمق ندارند و به دلیل روایت سرگردان «کنکل» اصلاً چیزی به نام شخصیت شکل نگرفته و آنها همگی در حد یک تیپ شناخته شده‌اند. شاهکار سریال، قرار دادن ۲۰۵ عدد شمش طلا در دست دزدانی است که بازی و رفتارهایشان مانند آثار کم‌دی نازل است به همین دلیل است که مخاطب درگیر داستان نمی‌شود. «لوافی‌پور» که رگه‌هایی از علاقمندی‌اش به فوتبال در اثر قبلی‌اش چون «هت تریک» محصول ۱۳۹۵ مشخص بود، در سریالش هم دوباره به موضوع فوتبال پرداخته است. فوتبال بخش جدایی‌ناپذیر دیالوگ‌ها میان «صابر ابر» و «پدرام شریفی» شده و از حالت نرمال بیرون درآمده و کل کل و کری خواندن‌های فوتبالی، حوصله را به سر می‌برد و هیچ‌گونه طنز خاصی به اثر اضافه نمی‌کند به‌طوری که سایه فوتبال و حواشی مربوط به آن پررنگ‌تر از مقوله دزدی است. خونسردی و متلک‌گویی به‌هنگام سرقت اخیر در مجموعه در حد اعلا اذیت‌کننده است و رنگ‌وبوی موضوع اصلی را از بین می‌برد. خرده‌پیرنگ‌ها نیز از پیرنگ اصلی پررنگ‌تر است مانند رابطه پدر «مهدی پاکدل» با زنان یا ماجراهای خسرو زندانبان شاهین که تقریباً نیمی از سکانس‌های سه اپیزود آخر (هشتم، نهم و دهم) به او اختصاص دارد. او نشان می‌دهد، عشق بی‌حدوحصری به بازیگران زن دارد و با چسباندن عکس‌های آنان به دیوار و نگاه مشمژکننده‌اش، هیچ کارکردی در سریال ندارد از این‌گونه موارد بسیار در سریال دیده می‌شود.

در کل سریال «کنکل» از همان اپیزودهای اولیه با ریتم نجس‌باش و بازی‌های بد، نشانه‌های متعدد ناموفق بودن را با خود حمل می‌کرد و برخی از مخاطبان، نصفه نیمه از تماشای سریال انصراف دادند. شاید ایده «کنکل» جذاب بود اما «لوافی‌پور» که می‌خواست، جهان سریالش متفاوت باشد، نتوانست موفق شود و در نتیجه با اجرای ناپلذانه، اثر را به قهقهه‌ها برد.

همراه نباشد جز اسکیزوئید گفتاری چه حاصلی خواهد داشت و کدام نمونه غربی یا شرقی را می‌توانیم به یاد بیاوریم؟ طرح‌های براهنی متأسفانه خیلی اوقات قربانی شتابزدگی و ذوق‌زدگی تازه‌آموخته‌های ایشان شده‌است.»

کتاب «زندگی، عشق و مرگ از دیدگاه صادق هدایت» نیز از بهترین کارهای حوزه هدایت‌پژوهی شناخته شده و در کنار کتاب دکتر محمد صنعتی از بهترین آثار این دوره است. این پژوهش در سال ۷۴ توسط نشر آگه به چاپ رسیده است. همین دو کتاب نقد و پژوهش کافی است تا جورکش را به عنوان پژوهش‌گر و منتقدی راهگشا تثبیت کند. جورکش دو منظومه شعر با نام‌های «هوش سبز» (انتشارات نوید) و «نام دیگر دوزخ» (انتشارات آگه) به چاپ رسانده است. «دموکراسی و هنر» و «درآمدی تاریخی بر نظریه‌های ادبی از افلاطون تا بارت»، «پست مدرنیسم» از آثار این شاعر، منتقد ادبی و مترجم هستند. جورکش از جمله شاعرانی است که مکرر طعم سانسور و حذف را چشیده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های جورکش «خفیه‌نگاری خشونت در سرزمین آدم‌لثی‌ها» است. این کتاب سال ۱۳۸۹ و در فضای خاص آن‌ام با استقبال خوبی مواجه شد اما چهار روز پس از انتشار اکثر نسخه‌های آن از کتاب‌فروشی‌ها جمع‌آوری شد. جورکش سال ۱۳۹۶ در گفت‌وگوی درباره این اتفاق گفته بود: «این اتفاق در دوره‌ای بسود که ما فکر می‌کردیم، دوره‌ای

«لوافی‌پور» منطق سناریونویسی در تمام دنیا را در سریالش رعایت نکرده است. دزدی یک‌سری نکات منطقی دارد که باید از زاویه دید مخاطب، قابل قبول باشد اما در سریال، خود سوژه یعنی سرقت فاقد منطق است و اطلاعات اولیه به مخاطب داده نمی‌شود که آنها چه محصولاتی را می‌دزدند و با توجه به حجم پولی که از واسطه فروش این مواد می‌گیرند که کم است بر چه اساسی دست به این ریسک بزرگ می‌زنند. در حالی که از منظر مالی، هیچ‌کدام به این حجم کم از تراول‌های ۲۰۰ هزارتومانی نیازی ندارند. این غیرمنطقی بودن به سایر کاراکترهای سریال هم سرایت کرده است. «صابر ابر» در نقش «ابی جندقی» که یکی از بازیگران کلیدی و مهم سریال است، نقش چندان پیچیده‌ای بر خلاف سایر بازی‌هایش ندارد در صورتی که مخاطب او را در سریال «تاسیان» که همزمان با «کنکل» پخش می‌شود با یک بازی تحسین‌برانگیز می‌بیند. او در این مجموعه در نقش یک دله‌دزد ظاهر شده و همه او را به «ابی کج‌دست» می‌شناسند و حالا راننده رئیس کارخانه شده است. یکی از ایراداتی که می‌توان به قصه گرفت این است اصولاً کسی که راننده رئیس می‌شود باید از فیلترهای مختلف عبور کرده باشد و در درجه اول، پاکدست و مطمئن باشد. در مقابل، مخاطب با یک «پدرام شریفی» متفاوت روبه‌روست که تقریباً





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

اخلاق‌کشی

تورم چگونه روی اخلاق اثر می‌گذارد؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم، محمد شریعتمداری کتاب «تورم و اخلاق» را به حسن روحانی هدیه داد و مطالعه آن را توصیه کرد. روحانی نیز پس از خواندن کتاب، آن را به همکارانش پیشنهاد کرد و گفت: «بسیاری از اتفاقات این کتاب در ایران نیز رخ داده است؛ ای کاش همه تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی آن را بخوانند».

اما موضوع این کتاب چیست و چرا سیاستمداران توصیه به مطالعه آن می‌کنند؟

کتاب «تورم و اخلاق»، نوشته اندرودیکسون وایت با ترجمه سیدحسین دیباج، روایتی تاریخی و عمیق از تورم پولی فرانسه در دوران انقلاب کبیر ارائه می‌دهد. این اثر که توسط انتشارات دنیای اقتصاد منتشر شده با زبانی ساده اما پرمغز، پیامدهای اقتصادی و اخلاقی سیاست‌های پولی و مداخلات دولتی را بررسی می‌کند. وایت، مورخ برجسته آمریکایی با تکیه بر مطالعه‌ای کیفی و تاریخی، نشان می‌دهد چگونه سیاست‌های پولی‌یستی و نادرست مانند انتشار بی‌رویه پول کاغذی، دست‌کاری نرخ ارز، سهمیه‌بندی و یارانه‌ها به فساد، رانت‌خواری و آسیب به فرهنگ اصیل منجر شده است. اندرودیکسون وایت، دیپلمات و آموزشگر برجسته آمریکایی بود که بین سال‌های ۱۸۳۲ تا ۱۹۱۸ زندگی می‌کرد. او یکی از بنیان‌گذاران دانشگاه کرنل و اولین رئیس این دانشگاه بود که به گسترش برنامه‌های آموزشی در دانشگاه‌های آمریکا کمک کرد. وایت همچنین به عنوان سناتور ایالت نیویورک و سفیر ایالات متحده در آلمان و روسیه فعالیت داشت. او از طرفداران الغای برده‌داری بود و آثارش از جمله کتاب «تورم و اخلاق» نشان‌دهنده دیدگاه‌های عمیق او در زمینه تاریخ و اقتصاد سیاسی است. نویسنده کتاب یک مورخ است و نه یک اقتصاددان نظری به مفهوم معاصر آن. هرچند مهم‌ترین پایه علوم اجتماعی و اقتصادی باید تاریخ باشد، به‌ر حال جزئیات و گاهی دقت استدلال‌ها کامل نیست یا از اصطلاحات غیرمتداول استفاده شده است. نه هدف مؤلف و نه هدف ما نظر به‌پردازی محض دانشگاهی نبوده بلکه آموزش عمومی و اشاعه عقل عملی را مدنظر داریم. در عین حال کتاب حاضر نمونه یک تحقیق کیفی و مطالعه موردی تاریخی بسیار عالی محسوب می‌شود و هم به لحاظ معلومات تاریخی و هم به لحاظ تشریح سازوکار عملی اقتصاد برای متخصصان هم سودمند است ولو آنکه لحن خشک دانشگاهی نداشته باشد. کتاب استدلال می‌کند که مداخلات دولتی، حتی با نیت خیر، اغلب به نتایج فاجعه‌بار می‌انجامد. برای مثال یارانه‌های فرهنگی دولت می‌تواند به ترویج فرهنگ تجاری عوام‌گرا و تضعیف فرهنگ سنتی منجر شوند، یا کمک‌های غیرشخصی به فقرا به وابستگی و گداپروزی دامن بزنند. وایت با اشاره به تجربه پول‌های جان لاو، تأکید می‌کند که قوانین اقتصادی تغییرناپذیرند و تصمیمات غیرمسئولانه دولت‌ها می‌تواند ویرانی به بار آورد.

این کتاب نه‌تنها برای دانشجویان اقتصاد، امور مالی و علوم سیاسی بلکه برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و علاقه‌مندان به اخلاق و تجارت اثری ارزشمند است. «تورم و اخلاق» با ارائه اطلاعات تاریخی غنی و تشریح سازوکارهای عملی اقتصاد به‌دور از لحن خشک دانشگاهی، عقل عملی را ترویج می‌دهد و هشدار جدی درباره تبعات مداخلات نادرست دولتی در اقتصاد ارائه می‌کند. مطالعه آن برای تصمیم‌گیران و صاحب‌نظران ضروری است تا از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کنند.

کتاب «تورم و اخلاق» به عنوان یکی از متون کلاسیک در حوزه اقتصاد و تاریخ اقتصاد سیاسی شناخته می‌شود. این کتاب بیش از یک قرن پیش نوشته شده و به دلیل بررسی ارتباط بین سیاست‌های اقتصادی نادرست و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی مورد توجه پژوهشگران اقتصاد، تاریخ و علوم سیاسی قرار گرفته است. اغلب اقتصاددانان این کتاب را به عنوان متنی «خواندنی و آموزنده» توصیف کرده‌اند که برای دانشجویان و صاحب‌نظران اقتصاد و اخلاق ضروری است. این کتاب در محافل آکادمیک و اقتصادی به عنوان یک مطالعه موردی تاریخی برجسته شناخته می‌شود.

این کتاب به دلیل ارتباط موضوع آن با مسائل اقتصادی معاصر مانند تورم و سیاست‌های پولی مورد توجه قرار گرفته است که نشان‌دهنده استقبال مثبت در میان نخبگان سیاسی و اقتصادی ایران است.

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

ناترازی آب و انرژی خیلی از دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل کرده است. در تابستان به خاطر قطعی برق و جیره‌بندی آب و در زمستان به خاطر قطعی گاز، خیلی از سرمایه‌گذاری‌ها از حیز انتفاع خارج می‌شوند و به اصطلاح اقتصاددانان به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل می‌شوند.

از منظر مفهومی، دارایی‌های به‌گل‌نشسته به دارایی‌هایی اشاره دارند که به دلیل تغییرات در تقاضا، سیاست‌ها یا شرایط زیست‌محیطی، دیگر جریان نقدی یا ارزش مورد انتظار را تولید نمی‌کنند. همه صنایع و خدماتی که ارزش افزوده‌شان با آب است به دلیل خشکسالی‌های اخیر عملاً ارزشی ندارند. همچنین صنایع یا خدماتی که مزیت‌شان در قیمت گاز و برق ارزان است عملاً به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل شده‌اند. به‌طور مثال، استخرها و مجموعه‌های آبی بزرگ با توجه به خشکسالی اخیر و جیره‌بندی آب و کمبود گاز در زمستان با تعطیلی مواجه می‌شوند و در نتیجه مزیت خود را از دست داده‌اند.

همچنین صنایع فولاد و پتروشیمی، که از ستون‌های اصلی اقتصاد صنعتی ایران هستند، به شدت به آب و انرژی وابسته‌اند. تولید فولاد نیازمند مصرف حجم عظیمی از آب برای خنک‌سازی و فرآیندهای تولید است. در مناطق مرکزی و کویری ایران، مانند یزد و اصفهان، که کارخانه‌های بزرگ فولادسازی مانند فولاد مبارکه و ذوب‌آهن قرار دارند، کمبود آب به دلیل خشکسالی‌های متوالی و افت سطح آب‌های زیرزمینی، تولید را مختل کرده است. این واحدها که با سرمایه‌گذاری‌های کلان احداث شده‌اند، در زمان قطعی آب یا کاهش سهمیه، نمی‌توانند با ظرفیت کامل کار کنند و جریان درآمدی آنها به شدت کاهش می‌یابد. به همین ترتیب صنایع پتروشیمی که به گاز طبیعی به‌عنوان خوراک و انرژی وابسته‌اند، در زمستان‌ها با قطعی گاز مواجه می‌شوند. این قطعی‌ها، به‌ویژه در ماه‌های سرد سال که اولویت تأمین گاز به بخش خانگی داده می‌شود، تولید را متوقف یا محدود می‌کند و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این واحدها را به دارایی‌هایی کم‌بازده یا حتی بدون بازده تبدیل می‌کند.

کشاورزی، به‌عنوان یکی از بخش‌های سنتی و حیاتی اقتصاد ایران نیز از ناترازی آب به شدت آسیب دیده است. بسیاری از زمین‌های کشاورزی که سال‌ها با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در زیرساخت‌هایی مانند سیستم‌های آبیاری و چاه‌های عمیق توسعه یافته‌اند به دلیل کاهش منابع آبی سطحی و زیرزمینی، دیگر قابل کشت

بازار سهام

فقر تقاضا

چرا سهام خریدار ندارد؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

در معاملات دیروزی بورس تهران، شاخص کل با افت ۱/۵۲ درصدی همراه شد و به سطح ۲ میلیون و ۷۶۸ هزار واحدی رسید. شاخص هموزن هم ۱/۱۲ درصد از ارتفاع خود را از دست داد و در سطح ۸۲۷ هزار واحدی قرار گرفت. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار با افت ۱/۰۷ درصدی همراه شد. با خروج یک هزار و ۳۹ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار در معاملات دیروز، سرمایه‌گذاران حقیقی برای پنجمین روز متوالی، مسیر خروج از تالار شیشه‌ای را در پیش گرفتند. مجموع خروج پول پنج روز اخیر در بازار سهام ۶ هزار و ۲۴۸ میلیارد تومان بوده است. همچنین ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز در روز دوشنبه، رقم ۴ هزار و ۵۱۸ میلیارد تومان را ثبت کرد. دلار که معاملات شب گذشته را در قیمت ۸۸ هزار و ۱۵۰ تومان به پایان رسانده بود؛ در معاملات دیروز در قیمت ۸۸ هزار و ۵۰۰ تومان بازگشایی شد. در ادامه

دارایی‌های به‌گل‌نشسته

ناترازی آب و انرژی کدام صنایع را زمین‌گیر کرده است؟



مستثنای نیستند. بسیاری از کارگاه‌های تولیدی در شهرک‌های صنعتی، به‌ویژه در مناطقی که با کمبود آب و برق مواجه‌اند، نمی‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند. این واحدها که اغلب با سرمایه‌گذاری‌های شخصی و وام‌های بانکی ایجاد شده‌اند به دلیل ناترازی انرژی و آب یا تعطیل شده‌اند یا با زیان انباشته مواجه‌اند که این امر آنها را به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل کرده است.

در کنار اینها، نیروگاه‌های برق که خود باید تأمین‌کننده انرژی باشند نیز به دلیل کمبود سوخت (گاز یا مازوت) در زمستان‌ها و کمبود آب برای خنک‌سازی در تابستان‌ها با کاهش تولید مواجه شده‌اند. این نیروگاه‌ها که با سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولتی و خصوصی ساخته شده‌اند، در شرایط ناترازی نمی‌توانند جریان نقدی مورد انتظار را تولید کنند و به دارایی‌هایی کم‌بازده تبدیل شده‌اند.

به‌طور کلی، ناترازی آب و انرژی در ایران، به دلیل وابستگی شدید اقتصاد به این دو منبع، بخش‌های وسیعی از صنعت و خدمات را تحت تأثیر قرار داده و سرمایه‌گذاری‌های کلان در این حوزه‌ها را به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل کرده است. این وضعیت نه‌تنها به کاهش تولید و درآمد منجر شده بلکه بدهی‌های انباشته، بیکاری و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران را نیز به دنبال داشته است. برای رفع این مشکل، نیاز به اصلاحات ساختاری در مدیریت منابع، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کم‌آب‌بسر و انرژی‌های تجدیدپذیر و بازنگری در سیاست‌های تخصیص منابع ضروری است. بدون این اقدامات، روند تبدیل دارایی‌های مولد به دارایی‌های به‌گل‌نشسته ادامه خواهد یافت و اقتصاد ایران را با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهد کرد.

نیستند. در مناطقی مانند خوزستان، فارس و کرمان، افت سطح آب‌های زیرزمینی و خشک شدن رودخانه‌ها و سد‌ها، زمین‌های کشاورزی را به اراضی بایر تبدیل کرده است. این زمین‌ها که روزگاری ارزش اقتصادی بالایی داشتند، اکنون به دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل شده‌اند زیرا بدون آب، امکان تولید محصول و ایجاد درآمد وجود ندارد.

صنایع تولید سیمان نیز از دیگر قربانیان ناترازی انرژی هستند. این صنعت به دلیل مصرف بالای برق و گاز در تابستان با قطعی برق و در زمستان با کمبود گاز مواجه می‌شود. کارخانه‌های سیمان که با هزینه‌های گزاف احداث شده‌اند در زمان قطعی انرژی نمی‌توانند تولید را ادامه دهند و این امر نه‌تنها سودآوری آنها را کاهش می‌دهد بلکه بدهی‌های بانکی و هزینه‌های ثابت آنها را به بار مالی سنگینی تبدیل می‌کند. این وضعیت، ارزش دارایی‌های فیزیکی این کارخانه‌ها را به شدت کاهش داده و آنها را به نمونه‌های بارز دارایی‌های به‌گل‌نشسته تبدیل کرده است.

بخش گردشگری و تفریحی نیز از این ناترازی بی‌نصیب نمانده است. مجموعه‌های تفریحی آبی، مانند پارک‌های آبی و استخرهای بزرگ، که در دهه‌های گذشته با سرمایه‌گذاری‌های کلان در شهرهای بزرگ و حتی مناطق کویری ساخته شده‌اند به دلیل کمبود آب و محدودیت‌های جیره‌بندی، یا تعطیل شده‌اند یا با ظرفیت بسیار پایینی فعالیت می‌کنند. این مجموعه‌ها که زمانی به‌عنوان مراکز درآمدزا و جذب گردشگر شناخته می‌شدند، اکنون به دلیل ناپایداری تأمین آب و افزایش هزینه‌های انرژی، سودآوری خود را از دست داده‌اند و به دارایی‌هایی بدون ارزش اقتصادی تبدیل شده‌اند.

صنایع کوچک و کارگاه‌های تولیدی نیز از این بحران

شاخص ارزی با افزایش ارتفاع همراه شد و در حوالی ۸۹ هزار تومان مورد معامله قرار گرفت. کلیه صندوق‌های طلا هم در معاملات دیروز در محدوده مثبت معامله شدند. در دو هفته معاملاتی اخیر، تحولات بازار سرمایه ایران حاکی از دگرگونی در ترجیحات سرمایه‌گذاران بوده است. در حالی که بازار سهام طی پنج روز معاملاتی گذشته با خروج پیوسته پول حقیقی مواجه بوده، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا روندی معکوس را تجربه کرده‌اند. در ۱۴ روز معاملاتی اخیر شاهد ورود مستمر پول حقیقی بوده‌اند. این جابه‌جایی منابع تا حد زیادی متأثر از افزایش نااطمینانی‌های سیاسی و امنیتی به ویژه پس از آغاز جنگ تحمیلی علیه کشورمان بوده است. وضعیت اقتصادی و بازار سرمایه ایران نیازمند اصلاحات اساسی و حمایت‌های بالا در سطح کلان است. یکی از بخش‌هایی که به شدت تحت تأثیر وضعیت کنونی قرار دارد، نهادهای مالی فعال در بازار هستند. کارگزاری‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین نهادهای مالی که بخش زیادی از درآمد خود را از کارمزد معاملات تأمین می‌کنند، در شرایط فعلی با کاهش حجم معاملات و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران روبه‌رو هستند. این وضعیت می‌تواند، تهدیدی جدی برای بقا و پایداری این نهادها باشد. برای عبور از این چالش‌ها، ضروری است که دولت و بخش خصوصی همکاری نزدیک‌تری داشته باشند و با توزیع‌بخشی به خدمات مالی از جمله ارائه مشاوره‌های مالی و محصولات نوین سرمایه‌گذاری، درآمد نهادهای مالی را از طریق منابع دیگر تأمین کنند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۰۵/۱۷۸۰۰۳۰۱۰۴۶۶۰۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۷/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محرم اکبری حاجی آبادی فرزند رجب بشماره شناسنامه ۵ صادره از تاکستان در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۳/۳۷ متر مربع پلاک ۰۳/۲۹۰۳ فرعی از ۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۲۵ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حسین ایزد و بهروز صمیمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷
رئیس ثبت اسناد و املاک
یافت آباد – خداداد بشیری

شناسه آگهی ۱۹۵۹۷۸۹

فاجعه آیدر

سه فعال محیط‌زیست در نبود تجهیزات اطفای حریق جان باختند

روایت روز حادثه

آتش حوالی ساعت ۱۳:۳۰ شروع شد و وزش باد، شعله‌ها را تشدید کرد. داوطلبان با تجهیزات ابتدایی مانند دمنده‌های دستی و شاخه‌های درختان به جنگ آتش رفتند. پنج نفر به شدت آسیب دیدند و سه نفر با هلی‌کوپتر منتقل شدند. حمید مرادی، وکیل و بنیان‌گذار انجمن «شنه‌نوژین» با شنیدن خبر آتش‌سوزی بلافاصله عازم کوه شد. او به همراه دوستانش به خاموش کردن آتش پرداخت اما به دلیل سوختگی شدید، باامداد روز بعد درگذشت. چیاکو یوسفی‌نژاد ۲۳ ساله و قهرمان مج‌اندازی و عضو سابق تیم ملی هنرهای رزمی ابتدا دچار سوختگی شد اما برای نجات دوستانش دوباره به دل آتش بازگشت. چهار روز بعد، او نیز در بیمارستان جان باخت. خبات امینی، کارمند اداره تعاون کردستان، داوطلبانه در عملیات مشارکت کرد و مانند دو نفر دیگر بر اثر سوختگی شدید جان باخت.

فقدان زیرساخت و آموزش

این حادثه موجی از اندوه و انتقاد را برانگیخت. بسیاری از فعالان و کارشناسان معتقدند که کمبود تجهیزات اطفای حریق و آموزش، عامل اصلی تلفات جانی است. کشور ما فاقد ساختار سازمان‌یافته برای مدیریت آتش‌سوزی‌های جنگل است؛ اقدامات بیشتر واکنشی و کوتاه‌مدت هستند و نقش‌ها و وظایف به‌طور دقیق تعریف نشده‌اند. نتیجه این خلأ نهادی، اتکای بیش از حد به داوطلبان بدون آموزش و

گروه اجتماعی: بعدازظهر دوم مردادماه آتش‌سوزی بزرگی در کوه آیدر سسندج رخ داد. دمای بالا و خشکی پوشش گیاهی باعث شد، شعله‌ها سریعاً گسترش یابند و ۲۰ هکتار از دامنه‌ها را بسوزانند. نیروهای رسمی دیر رسیدند و تجهیزات‌شان محدود بود. مردم، کوهنوردان و فعالان محیط زیست برای مهار آتش به کوه رفتند تا از سرایت آن به شهر جلوگیری کنند.

سه داوطلب - حمید مرادی، چیاکو یوسفی‌نژاد و خبات امینی- که هیچ‌کدام لباس یا ماسک مناسب نداشتند، در دل آتش گرفتار شدند و با وجود تلاش‌ها در بیمارستان جان باختند. این حادثه سومین آتش‌سوزی در آیدر طی یک ماه بود و پرسش‌هایی دربارهٔ چرایی تکرار چنین وقایعی و نقش مدیریت و امکانات مطرح کرد.

آیدر طی سال‌های اخیر بارها شاهد آتش‌سوزی بوده است. رسانه‌ها گزارش دادند که: این آتش‌ها تقریباً هر سال رخ می‌دهند و گاه به علت بی‌احتیاطی افراد یا موتورسواران نسبت داده می‌شوند اما علت دقیق غالباً اعلام نشده است.

مدیرکل منابع طبیعی کردستان در گفت‌وگویی با روزنامهٔ جوان گفت، شواهد نشان می‌دهد عامل اصلی این آتش «انسانی» بوده و احتمال می‌رود برخی افراد بی‌خانمان یا معتاد با بی‌احتیاطی موجب وقوع آتش شده باشند. این سخنان بر ضعف نظارت و مدیریت پیشگیرانه در اطراف مناطق جنگلی سایه افکند.

شهر

طرح نیخته

آیا با اجبار و دستور می‌توان ورود مردم از سایر شهرها به پایتخت را ممنوع کرد؟



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

خبر اعلام شده از سوی وزیر کشور مبنی بر صدور دستور رئیس‌جمهور برای «توقف مهاجرت به تهران» و ایجاد مهاجرت معکوس پرسش‌های زیادی را برانگیخته است؛ در گذشته هم موضوع انتقال پایتخت مطرح بود و حالا صحبت از ممنوعیت ورود مهاجر به تهران است. پایتخت ایران با جمعیتی بیش از ۱۳ میلیون نفر، هزاران شغل، دانشگاه، بیمارستان و مراکز خدماتی دارد و از دهه‌ها پیش مقصد مهاجرت داخلی بوده است. اما آیا امکان منع قانونی ورود مهاجران به یک شهر وجود دارد؟ تجربه کشورهای دیگر درباره کنترل رشد یا انتقال پایتخت چه می‌گوید؟ تهران مانند بسیاری از کلان‌شهرهای جهان، ویژگی‌هایی دارد که برای مهاجران جذاب است؛ تمرکز مشاغل، دانشگاه‌ها، خدمات درمانی و امکانات فرهنگی همچنین تصور داشتن کیفیت زندگی بهتر. عدم تعادل در توسعه استان‌ها و کمبود فرصت در شهرهای کوچک باعث می‌شود بسیاری از مردم برای «زندگی بهتر» راهی پایتخت شوند. بخش بزرگی از اقتصاد ایران و اشتغال در تهران متمرکز است؛ بنابراین ممنوع کردن مهاجرت بدون رفع این عدم تعادل به منزله برخورد با پیامدها به جای رسیدگی به ریشه مساله خواهد بود. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که سیاست‌های سلبی و محدودکننده بدون توسعه متوازن، نه تنها موفق نمی‌شوند بلکه پیامدهای منفی نیز دارند.

تجربه مغولستان: ممنوعیت ثبت‌نام در اولنباتور

اولنباتور، پایتخت مغولستان در دهه‌های اخیر به دلیل مهاجرت روستاییان و جمعیت آسیب‌دیده از تغییرات اقلیمی به شدت گسترش یافت و آلودگی هوا و ازدحام مشکلات زیادی ایجاد کرد. دولت مغولستان در سال ۲۰۱۷ قانونی تصویب کرد که بر اساس آن مهاجران داخلی نمی‌توانستند در پایتخت ثبت‌نام کنند. ثبت‌نام برای دسترسی به خدمات ضروری مانند بیمه درمانی و آموزش الزامی است. اما پژوهش‌های سازمان ملل و مقاله مؤسسه بوم، نشان می‌دهد که این ممنوعیت «به توقف مهاجرت کمک نکرد و نتوانست رشد محله‌های فقیرنشین و آلودگی هوا را مهار کند».

چین: سقف جمعیتی و اخراج «جمعیت کم‌درآمد»

دولت چین برای مقابله با «بیماری شهرهای بزرگ» در دهه ۲۰۱۰ سقف جمعیتی برای پکن و شانگهای تعیین کرد. کمیته برنامه‌ریزی اعلام کرد که جمعیت شانگهای تا سال ۲۰۲۵ نباید از ۲۵ میلیون نفر تجاوز کند و جمعیت پکن نیز تا ۲۳ میلیون نفر محدود می‌شود. کارشناسان معتقد بودند این سقف جمعیتی عملاً قابل دسترسی نیست زیرا اقتصاد این شهرها به نیروی کار مهاجر



تجهیزات استاندارد است. داوطلبان اغلب با لباس‌های عادی و بدون ماسک به دل آتش می‌روند و همین باعث می‌شود در معرض دود و حرارت قرار گیرند. کمبود لباس محافظ، کلاه ایمنی، دمنده‌های حرفه‌ای و ماسک‌های استاندارد، مشکلات را تشدید می‌کند. کارشناسان می‌گویند: اصول ایمنی باید در صدر باشد؛ اما در کشور ما داوطلبان اغلب تحت آموزش کوتاه‌مدت قرار می‌گیرند و برنامه‌ای برای تمرین منظم وجود ندارد. این وضعیت به تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و ناهماهنگ منجر می‌شود و خطرات را افزایش می‌دهد. بسیاری از فعالان نیز می‌گویند تا وقتی تجهیزات و آموزش کافی تأمین نشود، شاهد تکرار این حوادث خواهیم بود.

دو روز عزای عمومی

مرگ این سه فعال با واکنش‌های گسترده همراه بود. استاندار کردستان در پیام تسلیت خود از شجاعت آنان تقدیر و دو روز عزای عمومی اعلام کرد. خانواده‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی با هشتگ‌های «شهیدان طبیعت» یاد آنان را زنده نگه داشتند و

جنگ سرد، از گذرنامه‌ها برای کنترل جابجایی جمعیت استفاده می‌شد. در آن زمان، کشورهای مانند عراق هم از این سیستم استفاده می‌کردند تا جابه‌جایی جمعیت را تحت کنترل درآورند. اما در کشورهای غربی به جای استفاده از این گونه سیاست‌ها از مزیت‌های اقتصادی برای هدایت جمعیت به مکان‌های دیگر بهره می‌گیرند. در این مدل، دولت با کاهش هزینه‌های زندگی در مناطق خاص و فراهم کردن مزیت‌های اقتصادی در کنار اقدامات فیزیکی و برنامه‌ریزی شهری، مهاجران را به سمت مناطق جدید سوق می‌دهد. به عنوان مثال، لندن با این سیاست موفق شد جمعیت خود را از ۱۲ میلیون نفر به ۷ میلیون نفر کاهش دهد. این کار با کاهش هزینه زندگی و ایجاد سیاست‌های حمل‌ونقل مناسب انجام شد به طوری که جمعیت به راحتی ۷۰ کیلومتر از لندن فاصله گرفت و در مناطق اطراف آن مستقر شد. این سیاست‌ها با ارائه سوبسید برای حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و بهبود کیفیت زندگی در مناطق حومه به کار گرفته شد. او می‌گوید: این اقدامات با زور امکان‌پذیر نیست و ایجاد مزیت‌های اقتصادی برای مردم می‌تواند، راحل‌بهتری باشد. به این معنا که با فراهم کردن مزیت‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های زندگی، مهاجرت به مناطق جدید به صورت طبیعی رخ خواهد داد. حناچی توضیح داد: بسیاری از کارمندان دولت و افرادی که برای خدمات مختلف به تهران می‌آیند عمدتاً از شهرستان‌ها هستند و تردد آنها در شهر تهران باعث ایجاد مشکلاتی مانند آلودگی هوا و ترافیک می‌شود. اگر دولت سیاست‌های عدم تمرکز را به درستی پیاده‌سازی کند، می‌تواند با کاهش فشارهای جمعیتی در تهران، تردد این افراد را به مناطق دیگر سوق دهد و از بروز مشکلاتی مانند آلودگی هوا و ترافیک بکاهد. شهردار سابق تهران در پاسخ به این پرسش شورای ششم مصوبه‌ای درباره ورود پلاک شهرستان‌ها به تهران گزاراند که سبب واکنش‌های بسیار تندی شد، بنظر شما درباره مهاجران هم چنین اتفاقی می‌افتد؟ نمی‌توان مانع ورود مردم از شهرستان‌ها به تهران شد، چیزی که کنترل می‌شود، تردد متوالی است. در همان مصوبه شورای شهر هم اینکه یک فرد مدام در مقابل دوربین‌های راهنمایی و رانندگی قرار بگیرد به این معنی است که او در شهر سکونت دارد و این موضوع باید کنترل شود، همین تردد مکرر سبب عارضه‌هایی چون آلودگی هوا برای تهران می‌شود. حناچی با بیان اینکه این مسئله نه تنها برای تهران، بلکه برای تمام کلان‌شهرهای کشور مطرح است، توضیح می‌دهد: اما تهران به دلیل جمعیت و مشکلات بیشتری که دارد، با چالش‌های بزرگ‌تری مواجه است. به طور مثال، مشکلاتی مانند قطعی برق، آلودگی هوا، مشکلات فاضلاب و ترافیک، در تهران به مراتب شدیدتر از سایر شهرها مشاهده می‌شود. به همین ترتیب، در دیگر کلان‌شهرها مانند مشهد، اصفهان، شیراز و کرج نیز این مشکلات به نوعی وجود دارد، هرچند که در تهران این مسائل شدت بیشتری دارد. در نهایت به اعتقاد او جمعیت برای استقرار در اکثر کلان‌شهرهای پیشرفته دنیا نیاز به میجوز دارد، شهرداری‌ها می‌دانند به تفکیک در هر محله و خانه چه کسانی سکونت دارند و همین موضوع در بلایای طبیعی همچون زلزله می‌تواند برای شناسایی و هویت ساکنان هر پلاک بسیار حیاتی و کمک‌کننده باشد.



خواستار حمایت از مصدومان شدند. این حادثه هشدار می‌دهد که حفاظت از طبیعت، وظیفه‌ای جمعی است اما بدون مدیریت علمی و تجهیزات کافی، فداکاری داوطلبان به فاجعه می‌انجامد. مسئولان باید علت‌های انسانی آتش‌سوزی را شناسایی کرده و برای پیشگیری از حوادث مشابه، نظارت بر مناطق جنگلی را تقویت کنند. فراهم کردن تجهیزات حرفه‌ای، برگزاری دوره‌های آموزشی منظم و تعریف نقش‌های دقیق در مدیریت آتش‌سوزی‌های جنگل، اقدامات ضروری هستند. یاد حمید مرادی، چیاکو یوسفی‌نژاد و خبات امینی می‌تواند، انگیزه‌ای برای بهبود این ساختارها و جلوگیری از تکرار چنین تراژدی‌هایی باشد. به اضافه اینکه خشکسالی‌های پیاپی و تغییرات اقلیمی، پوشش گیاهی زاگرس را به ماده‌ای بسیار اشتعال‌پذیر تبدیل کرده است. در تابستان، کوچک‌ترین جرقه می‌تواند به آتش‌سوزی گسترده‌ای بدل شود. مردم محلی باید نسبت به خطرات روشن کردن آتش یا پرتاب تسمیگار هوشیار باشند و دستگاه‌های دولتی باید با نصب دوربین و گشت‌های سیار از وقوع چنین حوادثی جلوگیری کنند.

قضایی

دادگاه قاتل الهه

قاتل؛ چون به ویس‌های نامزدش گوش می‌داد، عصبانی شدم و او را کشتم

در نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده قتل الهه حسین‌نژاد، متهم با حضور در جایگاه دفاعیه، اظهارات ضدوتقویضی درباره جزئیات حادثه بیان کرد. او ابتدا گفت حرفی برای دفاع ندارد اما در ادامه مدعی شد، قصد قتل نداشته و این حادثه را در حالت «عصبانیت» و «جنون لحظه‌ای» مرتکب شده است. متهم با بیان اینکه ساکن اسلامشهر بوده و با همسرش اختلاف داشته، گفت روز حادثه مقتول را به‌عنوان مسافر سوار کرده و ابتدا مشکلی میانشان نبوده است. به گفته او، مقتول در صندلی عقب نشسته بود سپس به جلو آمد و مشغول شنیدن ویس‌های نامزدش شد. متهم گفت این مساله او را عصبی کرده و پس از مشاجره، با عصبانیت دو ضربه چاقو زده اما قصدی برای کشتن نداشته است. با این حال پزشکی قانونی تعداد ضرایب را حداقل ۶ عدد اعلام کرده است.

متهم در پاسخ به پرسش قاضی درباره علت مخفی کردن جسد گفت که قصد داشته، مقتول را به بیمارستان ببرد اما به دلیل ترس، جسد را در پیاپان رها کرده است. وی درباره علت حمل چاقو نیز ادعا کرد، آن را از محل کار شوهرخواهرش برداشته و در خودرو نگه داشته بود. در برابر پرسش‌های متعدد قاضی درباره انگیزه، مسیر حرکت، اختفای جسد، تخریب اموال و ادعای روانی بودن، متهم اغلب پاسخ‌هایی مبهم، متناقض یا غیرمستند ارائه داد و در نهایت اظهار کرد که در لحظه قتل دچار «جنون» شده است. وکیل مدافع متهم ضمن درخواست بررسی مجدد سلامت روانی موکلش، ادعا کرد که او فاقد قصد قبلی برای قتل بوده و در شرایط فشار روانی مرتکب جرم شده است. در مقابل، وکیل اولیای دم با استناد به اقرار صریح متهم، شواهد صحنه جرم، آثار خون و گزارش پزشکی قانونی، خواستار اجرای حکم قصاص در ملاعام شد. قاضی غلامرضا جواهری در پایان با اخذ دفاعیات متهم و وکلای دو طرف، ختم جلسه را اعلام کرد.



